

یوسف پورانوری: تهیه کننده «ایران امروز» از برنامه سازی برای پرس تی وی می گوید

# برخی سازمان ها پاسخگویی به رسانه ها را

## لطف فرض می کنند



محمد پارسانجفی  
گفت و گو

متولد خرداد ۱۳۴۲ و فارغ التحصیل زبان و ادبیات انگلیسی است. زمان خدمت سربازی در ارتش بود که متوجه تلیسین شبکه های انگلیسی زبان به نام پرس تی وی می شود. همان زمان تصمیم می گیرد برای ورود به این شبکه آزمون دهد. سال ۱۳۸۸ بود که یوسف پورانوری، رزومه خود را برای پرس تی وی فرستاد و بعد از آزمون، با توجه به آشنایی اش با موضوعات ایران در برنامه های مربوط به این حوزه مشغول کار شد. آنچه با هم می خوانیم محصول این ده سال فعالیت رسانه ای تنها یک نفر نیست. گویی همه رسالت رساله ای کشور را در این مصاحبه می توان دید.



# بدون مسئله «اجغه»

رحیم ناظریان

مستند «اجغه» مسئله دارد اما این مسئله پرداخت نمی شود. مستندساز مهم ترین چالش و یا مسئله مستندش را تنها با سوپرای خبری بیان و از بررسی یا تحلیل آن خودداری می کند. این که مراسم مختلف عشورایی در شهر بافق پس از گذر چند سال از آخرین باری که راوی مستند به آنجا آمده، دستخوش تحریف و تغییر شده و دیگر همچون گذشته این مراسم با همان ماهیت قدیمی اش اجرا نمی شود. این همه چیزی است که به عنوان مسئله در آغاز مطرح می شود اما بیان آن بدون هیچ بررسی یا واکاوی رها می شود.

گفتار متن در مستند «اجغه» اول شخص است و به نوعی از زبان خود مستندساز بیان می شود. همین کافی است تا مستند را اثری خاطر انگار و نهایتاً پژوهشی تلقی کنیم که در یک سفر کوتاه مدت به زادگاه صورت می گیرد. زیبایی شناسی نمایش تعزیه یا مراسم مختلف عشورایی در این مستند کمتر پرداخت می شود. مستندساز همان قالب خبری را برای نمایش جذابیت های نمایشی ترجیح می دهد تا فقط به شکلی گزارشی این مراسم را در جغرافیایی نمونه به تصویر بکشد. با این حال اصلی ترین موضوع مستند که عنوان اثر نیز از آن الهام گرفته «اجغه» است؛ شیئی چوبی که در مراسم عزاداری در شهر بافق از آن استفاده می شود و کم کم در حال افول است. با این حال انتخاب این زاویه دید، حالتی رمان گونه به گفتار متن داده است و کارکرد تصویر را کم رنگ کرده است. مستندساز خود به عنوان راوی اول شخص بعد از بازگشتی طولانی به جایی که در کودکی در آن مراسم عشورا خاطره دارد، این گونه می گوید: «از هر کی در مورد اجغه سؤال پرسیدم به آدرس مشترک می داد حبیب شمر حبیب شمر هیبت وحشتناکی داشت و تو روز عاشورا شلاقی به دست می گرفت و یاد همه بچه ها از حبیب شمر می ترسیدن. بالاخره شمر بود. منم می ترسیدم. وقتی سرعاش رفتم تازه فهمیدم فلعلیش مرشدزاده اس. خیلی هامثل من حبیب مرشدزاده رونمی شناسن؛ ولی تقریباً همه حبیب شمر رومی شناسن خودش می گه از این لقب راضیه. نظر حبیب اینه که شمرای واقعی الان خیلی زیاده و اون فقط نقش شمر رو بازی می کنه.» این گفتار متن در حالی برای این مستند نوشته شده است که دوربین در حال نشان دادن خود حبیب شمر است که در حال زبرور کردن تعدادی عکس است. او مردی میان سال است و حالا مستندساز با بر جسته کردن او و شخصیتش قصد دارد به موضوع اصلی اثرش یعنی اجغه بپردازد. با این شکل روایت وی کارکرد شدن تصاویر، مستند بدون هیچ خلاقیتی هر آن چه را که در رابطه با موضوعش هست را بیان می کند. حال به متن یاد شده در ستور قبل نیز لحنی انکار شده و رسمی نیز اضافه کنید. می بینید که کلاً تصویر در زیر سایه گفتار متنی توضیحی قرار می گیرد و ارزش بصری اش را از کف می دهد.

با این وجود در بخش های مختلف مستند، زمانی هم که نریشن، روایت کننده نیست، پلان هایی خبری و گزارشی از چهره ها و آدم های تعزیه و مراسم تنها طبقه پر کردن میانه اثر را بر دوش می کشد و البته اغلب این تصاویر بدون گفتار متن، دارای ابعاد توصیفی و زبانی برای آرایه محتوا هستند. تصاویری از شترها در شهر و گشت و گذار دوربین در بین مراسم و حال و هوای عزاداری جذابیت دیداری می یابد. «صبح زود عاشورا مردم به خیلونا می آمدن تا بتونن جای خوبی برای دیدن مراسم پیدا کنن.» یا: «هر روز روز عاشورا است به اتفاق گروه فیلم برداری از صبح زود به خیابون اومدیم.» مواردی از این دست، بی شک حتی در بحث نوشتار متن نریشن نیز انتقاداتی را به وجود می آورد. بی مایگی یا اضافه هایی در کلام که هیچ کارکرد محتوایی ندارند.

مستند «اجغه» با وجود این که اشارات مختصر به افول آیین ها و شیوه های عزاداری دارد اما نتوانسته این سسوزه جذاب را به تصویر بکشد یا به شکلی قابل قبول آن را بررسی کند. این که فراموشی جمعی مردمی یا این که مسئولان در مراسم عزاداری، اجازه حضور یا استفاده تخت های معروف مراسم عشورایی همچون تخت یزد، تخت ذرنگی، بازار شام و تخت تنور خولی در شهر بافق را نداشته اند، می توانست خود به خود شاکله یک درام باشد اما جز چند مورد نگاه مختصر مستندساز، در روایت بدان اشارات نمی شود.

است. فکر می کنم لازم است حداقل در حوزه های خبری ریسک بیشتری بکنیم. افراد باتولایی تحلیل بیشتر و آشنا با امور کشور و جهان و تسلط بر زبان های خارجی، بیشتر از این امکان عمل در حوزه خبر نداریم بلکه می خواهیم بگویم که به افراد بیشتری نیاز داریم که چنین توانمندی هایی داشته باشند. خارج از بحث محتوا باید به این نکته اشاره کنم که ما نیاز داریم در حوزه های فنی مانند تصویر برداری، نورپردازی و تدوین و گرافیک متحرک یک انقلاب در حوزه خبر به وجود آوریم. هر چند خیلی پیشرفت داشتیم اما مثلاً وقتی می بینم خبرنگاری یک بسته خبری کوتاه ساخته و ده ها ایراد تصویری از قبیل حرکت دوربین، رنگ و نور و... می توان به آن وارد کرد، تلف می خورم. همچنین لازم است که اصول علمی تدوین در بخش خبر هم کاملاً پیاده شود. اما بزرگتر از همه این ها، مشکلات خارج از حوزه کاری ما یعنی عدم همکاری سازمان های دولتی است.

ما نیاز داریم این سازمان ها موظف به پاسخگویی به بخش های خبری باشند. برخی از این سازمان ها صاحب و پاسخگویی به رسانه ها را لطف فرض می کنند. اما اگر به واسطه قانون یا بخشنامه ای آن ها موظف به پاسخگویی به همه رسانه ها باشند، ما در ساخت برنامه های جذاب، موفق تر خواهیم بود.

در حال حاضر روابط عمومی بسیاری از سازمان ها انگار موظفند رسانه ها را سر بدوانند تا رؤسایشان مجبور به مواجهه با افکار عمومی نشوند. گاهی اوقات حتی وقتی تهدید به بازتاب این عدم همکاری آن ها می کنیم باز هم وقتی نمی گذارند. خلاقیت را تا چه میزان در موفقیت یک شبکه خبری تاثیر گذار می دانید؟

برنامه ای که خلاقیت و نوآوری نداشته باشد یا باید تعطیل شود یا عواملش عوض شوند. مهم ترین عامل که نشان می دهد برنامه شما خلاقیت دارد یا خیر، مخاطب است. مخاطب با کسی تعارف ندارد و اگر پای برنامه نشیند یعنی شما وقتتان را هدر داده اید. سنجه های واقعی در این حوزه بیش از آنکه واحدهای ارزیابی یا مدیران شبکه ها باشند، مردم هستند. مردم هم طبعاً از شما خلاقیت در کنار محتوای خواهند وقتی از خلاقیت حرف می زنم صرفاً منظورم تغییرات ظاهری نیست بلکه خلاقیت در محتوا بیشتر از هر چیز مردم را پای برنامه نگه می دارد. برای مثال برنامه ای در شبکه سی ان ان فارغ از محتوایی که آرایه می دهد خیلی جلوه های ویژه ندارد اما نوع آرایه محتوایی که تولید می کند هر بیننده ای را جذب می کند حتی در شبکه های خبری دیگر نظیر فاکس نیوز آمریکا هم چنین وضعی دیده می شود. گاهی اوقات یک نفر چهل دقیقه یک برنامه گفت و گو محور را اداره می کند اما بیننده حتی فرصت پلک زدن هم پیدا نمی کند.

به تحقیق قبل تولید اشاره داشتید در این بخش چه نظری دارید؟ محققان برنامه ها، معمولاً کمترین حقوق را می گیرند. این یعنی تحقیق برای تیم اهمیت چندانی ندارد اما برای مثال برنامه کریستن امان پور در سی ان ان یک تیم تحقیق دارد که اصلاحاتشان همین است. منظورم این است که خلاقیت داشتن بدون محتوایی که عمیقاً مورد کند و کاو محقق قرار نگرفته باشد، تبدیل به چیزی می شود که به آن می گویند جنگ و لگبازی!

در آخر هم باید اضافه کنم که یک عنصر که برای همه این هاست و باید در تیم تولید وجود داشته باشد، جسارت است. اصلاً انتخاب موضوع، جسارت می خواهد. وقتی بتوانید موضوعات را جسورانه انتخاب کنید، آدم های خاص را به برنامه تان خواهید آورد و برنامه تان حتماً دیده خواهد شد. لذا به نظر من سه عنصر خلاقیت، تحقیق و جسارت برای ساخت یک برنامه موفق لازم هستند.

# IRAN TODAY

می کنم یک کار روتین اداری انجام داده ام. البته واکنش های مخاطبان ما در شبکه های اجتماعی هم برایم اهمیت دارد، ولی بعضی وقت ها کارهایی که برای تیم ما اهمیت زیادی دارد، از سوی مخاطبان بازخورد مناسبتی نمی گیرد و این جلالت که می طلبد ما خودمان را اصلاح کنیم. برنامه «ایران امروز» به چه موضوعاتی تاکنون پرداخته که تصور می کنید جای کار دارد؟ همان طور که گفتیم حدود ۸۲۰ اپیزود «ایران تودی» ساختیم و در آن ها تقریباً هر چیزی که فکرش را بکنید پوشش داده ایم. از توانمندی دفاعی بگیرد تا جناح بندی های سیاسی در ایران. از نظام آموزشی تا مبارزه با مواد مخدر در کشور! دوست دارم در حوزه مبارزه با فساد اقتصادی برنامه های بیشتری بسازم اما همکاری توه قضاییه را لازم داریم.

هر چند برخی فکر می کنند ورود برون مرزی به این حوزه ها منسب نیست اما به حد عرض می کنم که هر چه بیشتر و شفاف تر در این زمینه کار کنیم، آبروی بیشتری برای کشور خریدیم. همه کشورها فساد اقتصادی دارند و این مسئله باعث افتخار نیست اما چیزی که جای افتخار دارد، کشف این فسادها و بازتاب شفاف آن ها در رسانه ها است. به عنوان یکی از تهیه کنندگان مطرح پرس تی وی آیا امکان تولید مشترک برنامه با شبکه های کشورهای دیگر وجود دارد؟

در حوزه خبر محض، شبکه ها بصورت مستقل عمل می کنند اما اگر منظور تان ساخت برنامه است، می توان از امکانات برخی شبکه ها در کشورهای دیگر استفاده کرد اما به هر حال باید هزینه پرداخت کرد. سطح فعالیت رسانه های کشورمان را چگونه ارزیابی می کنید و چه افق هایی هست که هنوز به آن نرسیده ایم؟

در حوزه مکتوب سلفقایی بیش از صد سال وجود دارد اما حوزه تلویزیون به نسبت جدیدتر است و لازمه تولید در آن تجمیع تخصص های مختلف

به رسانه علاقه خاصی داشتید؟ از زمان دانشجویی به موضوعات سیاسی علاقه مند بودم. به خصوص این که دوره دانشجویی ما همزمان بود با تحولات بزرگ در داخل و خارج از ایران. در داخل ایران شاهد انتخابات حساسی نظیر شورای شهر دوم و ریاست جمهوری نهم بودیم. بحث های داغ در دانشگاه ها میان دانشجویان و سخنرانان باعث می شد لاجرم بسیاری از دانشجویان در معرض موضوعات سیاسی قرار بگیرند.

از سوی دیگر واقعه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق هم موجب تغییر بسیاری از معادلات در منطقه شد. در آن دوران روزنامه های همه جناح ها را می خواندم و بخش زیادی از درآمدی که از طریق کار نیمه وقت و تدریس به دست می آوردم، صرف خرید روزنامه ها و مجلات می شد. آشنایی من به زبان انگلیسی که پیش از ورود به دانشگاه آغاز شده بود هم باعث می شد اخبار بین المللی و تحلیل های شبکه های خارجی را پیگیر بشم. معتقدم تحصیل در رشته ژورنالیسم مهم است اما برای روزنامه نگار شدن کافی نیست. تازمانی که روحیه پرسشگری و علاقه به کار خبری در کسی وجود نداشته باشد، نمی تواند شیبیداری ها، ضرب الاجل های کوتاه برای آرایه کار، معطلی پشت دفتر مسئولان، قرارهای مصاحبه هایی که لغو می شوند و ده ها موقعیت ناجور دیگر را تحمل کند. کار خبرنگاری واقعی را نمی توان محدود به شیفت کرد و از این رو کار کردن در این رشته آدم های خاص خودش را می طلبد.

چه فعالیت های رسانه ای از این طریق را قبل از همکاری با این شبکه تصور می کردید؟

پرس تی وی یک تجربه جدیدی در کیفیت و سرعت خبررسانی در زمان خود تلقی می شد و این سطح از حرفه ای گری برای من جذاب بود. من ناگهان به عمق فعالیت های خبری تلویزیون پرتاب شدم. مصاحبه می گرفتم، اهم مطالب آن ها را به صورت متن و تصویر استخراج می کردم، ترجمه می کردم، تا حدودی تدوین می کردم و شاید از همه سخت تر کار همملتنگی تیم هم به عهده من بود.

افرادی که در ایران خبرنگار باشند می دانند چقدر همملتنگی با مقلات ایرانی سخت است و برای خودش می تواند یک تخصص تلقی شود. آشنایی با این حوزه ها می طلبید که به مدت سه دنباال یادگیری بلشیم. پیش از ورود به تلویزیون هیچ گاه تصور نمی کردم برای تهیه یک برنامه تا این حد از هماهنگی و کار لازم است. اما به هر حال تلاش کردم و تقریباً هر کدام از سمت های موجود در یک تیم تولید را برای مدتی تجربه کردم.

چه برنامه هایی در پرس تی وی تولید می کنید؟ قدیمی ترین برنامه ای که همچنان کار می کنیم «Iran Today» یا «ایران امروز» است. تا به حال بیش از ۸۲۰ اپیزود بصورت هفتگی کار کرده ایم که تهیه بیش از ششصد برنامه از این مجموعه به عهده من بوده است. من با همین برنامه شروع کردم. هر هفته به موضوع خاصی می پردازیم. بیشتر موضوعات ما سلیبت بین الملل در مورد ایران است. اما موضوعات اقتصادی و اجتماعی هم داریم. در کنار این برنامه مشغول تولید برنامه ای به نام «بازار» هستیم که در خصوص صنایع داخلی است. همچنین با توجه به این که برنامه «اینترفیس» که در سال گذشته به منسبت چهل سالگی انقلاب ساختیم، مورد توجه قرار گرفت، قرار شد امسال هم آن را با موضوعات جالبتری ادامه دهیم. در کنار این برنامه ها میلیون برنامه های زیادی هم تولید کرده ام که شمردن همه آن ها خارج از حوصله این مصاحبه است.

کدام کارهایتان را موفق می دانید؟ تنها آن اپیزودهایی به دلم می نشیند که بتوانم یکی از دغدغه هایم را مطرح کنم و در برنامه به پلخ آن ها برسیم. در غیر این صورت احساس